



## شماره ثبت: ۳۱۶۰

بسم الله الرحمن الرحيم

فهرست مطالب:

۲.....	نمیمه
۲.....	همزه و لمزه
.....	جمع بندی
.....	خطا محل یاب تعریف نشده.
۲.....	قواعد عامه
۲.....	۱. حرمت ایذاء
۳.....	۲. ادله حرمت کذب
۳.....	۳. غیبت
۳.....	ادله روایات
۴.....	روایت اول
۴.....	بررسی روایت از لحاظ سند
۴.....	بررسی روایت از لحاظ دلالت
۴.....	۱. دلالت بر حرمت نمیمه
۴.....	۲. تطبیق شرار بر تمام
۵.....	۳. مشی تمامی
۵.....	۴. معنای جمله « الْمُفَرَّقُونَ بَيْنَ الْأَحْيَةِ »
۵.....	روایت دوم
۶.....	بررسی روایت از لحاظ دلالت



## نمیه

### همزه و لمزه

ممکن است کسی همزه و لمزه را به معنای نامی تفسیر کند. اما این تفسیر، تفسیر قوی نیست. همزه و لمز بیشتر طعنه زدن است. در حضور و غیاب نیز تفاوتی نیست.

ممکن است نامی گاهی بر طعنه و نیش و کنایه باشد اما همیشه این چنین نیست و مستلزم طعنه و کنایه نیست.

### جمع بندی

تمام ادله آیات قرآن را در بحث نامی ذکر کردیم. یکی از این ادله تام و قابل قبول بود. بقیه آیات تام نیست.

### قواعد عامه

در این بحث، قواعد عامه‌ای وجود دارد. البته این استدلال به قواعد عامه تام نیست. اینکه به قواعد عامه تمسک می‌کنیم به خاطر این است که هر کدام از این‌ها هم ادله آیات و روایات دارند.

ادله عامه چند عنوان است که ممکن است به آن تمسک بشود.

### ۱. حرمت ایذاء

در روابط اجتماعی، یکی از محرمات، حرمت ایذاء است. ایذاء مؤمن و مسلم حرام است.

ممکن است بگوییم حرمت ایذاء در نامی وجود دارد. یعنی شخص آزاده می‌شود و روابط تیره می‌شود. اصل حرمت ایذاء به عنوان یک قاعده کلی، تام است. البته باید دو نکته را در اینجا، توجه کرد:

۱. مطلق ایذاء، مراتب و درجات خفیفه را نمی‌گیرد. ادله از آزارهای خفیف، منصرف است. شواهد در روایات بر این امر ناظر است.



## شماره شصت: ۳۱۶۰

۲. بین ایذاء و تیره کردن روابط دیگران با نامی، عموم و خصوص من وجه است. در همه موارد این چنین نیست که نامی باعث آزرده‌گی در درجه شدید بشود. اگر حرمت ایذاء مطلق بود، یعنی آزارهای خفیف را اگر می‌گرفت، ایذاء شامل نامی به صورت مطلق می‌شد. در آن صورت، ایذاء تمام مراتب نامی را شامل می‌شد و می‌توانستیم به عنوان یک دلیل به کار ببریم.

البته ادله ایذاء برای اثبات نامی، از همه ادله قوی‌تر است.

## ۲. ادله حرمت کذب

ممکن است به ادله دیگری نیز اطلاق کنند. مثل حرمت کذب.

البته باید گفت که همیشه نامی با کذب جاری نمی‌شود. در خیلی از موارد، نامی با صدق همراه است. همان حرف صادق و درست رابطه را به هم می‌زند. در نتیجه نیمه با کذب عموم و خصوص من وجه است.

## ۳. غیبت

ممکن است کسی ادله غیبت را به عنوان استدلال بیاورد. کسی که نامی می‌کند، سخنی را از شخص نقل می‌کند و در غیاب شخص، سخنی را به وی نسبت می‌دهد. البته باید بدانیم که نامی ملازم غیبت نیست. ممکن است نکته‌ای که شخص نامی می‌گوید، مخفی نباشد. ممکن است کسی تحلیل و نظری بدهد و یا عیب مخفی نباشد که دلیل غیبت آن را بگیرد. البته خیلی از موارد نامی یک نوع غیبت است؛ اما ممکن است نامی بکند، درحالی که عیب مخفی را به شخصی نسبت ندهد.

عناوینی مثل اهانت و ... دیگری است که به صورت مطلق صدق بر نامی نمی‌کند. تمام این‌ها نسبتشان با نامی، عموم و خصوص من وجه است. اگر بین نامی و این عناوین عموم و خصوص مطلق بود؛ دلیل می‌شد؛ ولی حال که نیست یعنی دو عنوان است. دو عنوان گاهی اجتماع می‌کنند. در اجتماع، به تعداد اجتماع، مرتکب حرام می‌شوند.

## ادله روایات

عمده همین روایات، اخبار و احادیث، حرمت نیمه را برای ما مشخص می‌کند. این احادیث در باب ۱۶۴، باب احکام العشرة آمده است. اسم این باب، باب تحریم النمیمه و المحاکات است.



## شماره ثبت: ۳۱۶۰

### روایت اول

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَلَا أُتَبِّئُكُمْ بِشِرَارِكُمْ قَالُوا بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ - قَالَ الْمَشَاءُونَ بِالنِّمِيمَةِ الْمُفَرِّقُونَ بَيْنَ الْأَحَبَّةِ الْبَاغُونَ لِلْبِرَاءِ الْمَعَايِبِ.»<sup>۱</sup>

بدان ما که هستند؟ پیامبر (ص) می‌فرماید: کسانی که مشاء به نیمه هستند. کارشان نمایی است. کسانی که بین دوستان فاصله می‌اندازند. کسانی که برای انسان‌های پاک و منزّه، عیب پیدا می‌کنند.

### بررسی روایت از لحاظ سند

این روایت در کافی و من لایحضر آمده است. سند کافی، سند تامی است.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

در دلالت این روایت چند نکته وجود دارد:

#### ۱. دلالت بر حرمت نیمه

پیامبر (ص) می‌فرماید: کسانی که نیمه می‌کنند، اشرارند. وقتی اشرار به کار برود، اغلب حرمت فعل را می‌آورد. البته معنای اکراه را نیز دارد، ولی در آنجا نیاز به قرینه داریم.

#### ۲. تطبیق شرار بر نمام

شر بودن گروه به خاطر نمایی کردن است.

<sup>۱</sup> - وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص: ۳۰۶.



## شماره پست: ۳۱۶۰

اگر این دو نکته را در کنار هم بگذاریم، می‌توانیم بفهمیم که این مصداق حرام است.

در نتیجه این روایت، دلالت تام دارد.

### ۳. مشی نامی

نکته بعد مشی نامی است. با همان بیانی که در آیه عرض کردیم، الغای خصوصیت می‌کنیم و نیمه را نیز در برمی‌گیرد.

### ۴. معنای جمله «الْمُفَرَّقُونَ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ»

نکته بعد در مورد جمله «الْمُفَرَّقُونَ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ» است. این جمله دو معنا دارد.

۱. خود جمله یک عنوان مستقل است. همیشه این عنوان با نامی است. ممکن است انسان روابط دوستان را به هم بزند ولی با نامی این کار با نکند. این جمله قید بر نامی نیست. به عنوان یک قاعده مستقل، مورد نکوهش قرار گرفته است. اگر این باشد، این روایت نشان می‌دهد که حرمت بر همان «الْمُفَرَّقُونَ بَيْنَ الْأَحِبَّةِ» است. یعنی رابطه بین دوستان را به هم بزنیم یکی از این روش‌ها نیز نامی است. اگر مفرقون بین الاحبه اگر مطلق شد، قواعد عامه می‌شود و در نتیجه نامی را می‌گیرد.

۲. اگر حرمت بر مفرقون بین الاحبه واقع بشود، سؤال این است که آیا این علت بر نامی است و یا علت نیست؟

اگر علت باشد، مشی نیمه موضوعیت ندارد. یعنی عنوان اصلی همان حرمت مفرقون بین الاحبه است. اما اگر بگوییم علت نیست، در نامی دو حرمت است، یکی حرمت تفریق است و دیگری حرمت نامی است.

البته باید توجه داشت که «الْبَاغُونَ لِلْبُرَاءِ الْمَعَايِبِ» نیز یک جمله مستقل است و موضوع مستقلی دارد.

## روایت دوم

«وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَوْسُفَ بْنِ عَقِيلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: الْجَنَّةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْفَتَاتَيْنِ الْمَشَاءَيْنِ بِالنِّمِمْ»<sup>۱</sup>



## شماره شصت: ۳۱۶۰

امام باقر (ع) در این روایت می‌فرمایند: بهشت بر قناتین حرام است. قنات همان نمام است.

این روایت از لحاظ سند اعتبار دارد.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

دلالت این آیه تام است. همان‌طور که قبل گفتیم، وعده ثواب، مفید وجوب نیست ولی اگر وعده عقاب داده شد، مفید حرمت می‌شود. نکته‌ی دیگر این است که اگر اشاره به محرومیت ثواب بشود، تفصیل قائل می‌شویم. حرمان از بعضی از نعم، دلالت بر حرمت نمی‌کند. نوعی از وعده حرمان است که مفید حرمت است، آن هم در جایی است که حرمان مطلق را بیان می‌کند. در این روایت می‌گوید که بهشت نمی‌رود، یعنی به جهنم می‌رود.